

به من نگاه کن



دستان خود تلفن همراه دارند. این وسیله‌ای برای ثبت خاطره و ارتباطی مجازی و از همه مهم‌تر سلفی گرفتن یا استوری است. در جهان بصری شده معاصر نمی‌توان از عنصر دوربین، تلفن‌های هوشمند و ارتباطات برخط چشمپوشی کرد. در عکس پیش‌رو بازیکنان بیش از آنکه توجه به دوربین‌های عظیم صداوسیما و رسانه ملی داشته باشند یا برای دوربین عکاسان طنز و دلبری کنند در فکر و ذکر دوربین‌های شخصی و احتمالاً صفحه‌های خود در اینستاگرام هستند. فکر و ذکر آنها بین جهان واقعی و مجازی در حرکت و جریان است. گویی آنها خود تولیدکننده محتوا، رسانه و مدیوم خود بوده و مخاطب خاص خود را داشته و بی‌نیاز از چشم دوربین‌های سراسری بوده و کسب‌وکار مجازی و سازوکار دیده شدن خود را دارند. این امر و مقوله به مدد شبکه‌های اجتماعی مجازی و تصویری و توسعه شبکه ارتباطات جهانی مهیا شده است. شاهدیم که بازیکنان تلاشی برای عکس دسته‌جمعی یا استوری یا فرستادن لایو گروهی نمی‌کنند بلکه هر یک دوست دارند در قاب عکس، تصویر و ویدئو تلفن هوشمند صرفاً خودشان نقش ببندند و خود و مخاطب خود را راضی سازند. حتی اگر وحید امیری قاب افقی گرفته و مدال خود را بالا آورده باشد. او نیز صرف‌نظر از پس‌زمینه آن قاب در کانون دوربینش جلوه خواهد کرد و فالوورهای خود را مشغول خواهد ساخت. قهرمانی بدون دوربین و لایو و اینستاگرام دیگر طعم و بویی ندارد. بازیکنان هم بیشتر از هواداران و مخاطبان تلویزیونی و رسانه‌ای خود را دوست دارند. مسلمان دوربین‌ها و لنزهای حریص عکاسان و تصویربرداران اصحاب رسانه در چند متری سکوی قهرمانی است اما حواس بازیکنان جای دیگری است و عالم دیگری را می‌جویند. در عکس این ما هستیم که آنها را نگاه می‌کنیم؛ آنها نیز بی‌اعتنا به ما، خود و دیگری را خشنود می‌سازند. پس می‌توان گفت برای دیده شدن هم مراسمی برپاست. در عصر اینستاگرام، هویت آنلاین و فرهنگ سلفی، محبوب غایبی خود فرد است.

را به دوش دارد. گویی در افتخارات باید یادی از وطن کرد و به آن نازید. فارغ از حامیان مالی تیم که نشانشان روی پیراهن ورزشی بازیکنان نقش بسته است؛ در پس‌زمینه نام یک کارخانه و شرکت ارتباطی به چشم می‌آید. عنصری که ترکیب عکس را مخدوش و ناهمگن ساخته است اما گریزی از آن نیست. در جهان امروز بدون سرمایه و مقوله اسپانسر، ورزش، تیم و تیمداری بی‌معناست. همچنین ذیل لوگوی پرسپولیس شاهد تاریخ‌هایی هستیم که قدمت باشگاه را به ما گوشزد می‌کند.

پرسپولیس جام را در روزی بالای سر برد که مسابقه خود را به تیم ذوب‌آهن اصفهان واگذار کرد. ظاهراً قهرمانی به چنین باختی بسیار می‌چربد و این باخت برای بازیکنان اندکی تلخی ندارد. پرسپولیس به رکوردی دست‌نیافتنی و قهرمانی‌های متوالی و ثبات در پیروزی رسیده است و باید هم اینچنین کامیاب باشد. زبان بدن بازیکنان به واسطه عنصر دست و فرم آنان معنادار است.

در دوران ویروس مرموز و جانکاه کرونا، هواداران از خانه شاهد قهرمانی و جشن تیم محبوبشان بودند؛ بنابراین دوربین‌ها مهم‌تر از هر دوران دیگری شده است. در حقیقت چشم اصلی در ورزشگاه نیست بلکه در لنزهای دوربین‌های مختلف باید به جست‌وجوی آن پرداخت. لنز تلفن‌های هوشمند. از همین روست که در عکس تلفن همراه، اهمیت خاصی یافته است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در عکس شش یا هفت بازیکن در

اهدای جام است. در این میان مدیرعامل باشگاه مشغول تشویق است و شعفی از خود نشان داده است. آقای نبی پشت بازیکنان و جست‌وخیزشان تقریباً به چشم نمی‌آید. حیدر بهاروند سرپرست فدراسیون نیز در گوشه تصویر نظاره‌گر است و نگاه مراقب دارد. وزیر، ثابت و بدون هرگونه حرکتی ایستاده است و شأن جایگاهی خود را مراقبت می‌کند. بازیکنان اما سرمست از مقام قهرمانی هریک در حال ساختن لحظه خاص خود در این هیاهوی پر از شادی هستند. بالاترین نشان، لوگوی باشگاه است که ستاره‌های بالای آن می‌درخشد. ستاره در میان کاغذهای رنگی سفید و قرمز شادی غرق شده است و جلوه خاصی به عکس بخشیده است. کاپیتان مثل یک فرمانده مصمم در کانون عکس جای گرفته است و اهمیت بی‌بدیل خود را مؤکد می‌سازد. نشانی از خستگی و کوهلوت در چهره و اندام او به چشم نمی‌آید. دستان او بر فراز است و جام در دستان او زیباتر شده است. همه این مراسم حول همین جام معنا پیدا می‌کند. پرسپولیس جام را در روزی بالای سر برد که مسابقه خود را به تیم ذوب‌آهن اصفهان واگذار کرد. ظاهراً قهرمانی به چنین باختی بسیار می‌چربد و این باخت برای بازیکنان اندکی تلخی ندارد. پرسپولیس به رکوردی دست‌نیافتنی و قهرمانی‌های متوالی و ثبات در پیروزی رسیده است و باید هم اینچنین کامیاب باشد. زبان بدن بازیکنان به واسطه عنصر دست و فرم آنان معنادار است. گویی به وقت پیروزی دست‌ها به اهتزاز درمی‌آیند تا قدرت را نمایندگی کنند و رقبا را به چالش فراخوانند. مُشت‌ها گره کرده و بازیکنان خندان‌اند. گویی در بهترین ساعات عمرشان قرار دارند و عکس آینده از بازیگوشی و نشاط است. برخی بازیکنان در حال افتادن از روی سکو هستند. گویی وقتی قهرمانی در دست و مدال برگردن آویز است دیگر سکو اهمیتی ندارد. در بین بازیکنان عضوی از کادر تیم هم مشاهده می‌شود (برخلاف بازیکنان شلوار به تن دارد) برخی بازیکنان نیز پرچم تیم خود را بر دوش انداخته‌اند. بازیکن سوری و کروات تیم، پرچم کشور خود



آرش حسن‌پور

پژوهشگر مطالعات تصویری

از قهرمانی تیم پرسپولیس هنوز زمان زیادی نگذشته است. پرسپولیس برای مرتبه چهارم و به صورت متوالی به افتخاری بزرگ دست یافت و چند هفته پیش از اتمام مسابقات لیگ برتر فوتبال کشور به عنوان قهرمانی زودرسی دست یافت و خیالش را بابت مسابقات بعدی راحت کرد. عکس جشن قهرمانی پرسپولیس را نشان می‌دهد. عکس خارجی است. مراسمی در ورزشگاه یکصد هزار نفری آزادی در حال برگزاری است اما ورزشگاه خالی از هر طرفدار و هوادار مشتاقی است. عکس زیر نورهای قدرتمند نورافکن‌های ورزشگاه گرفته شده است و طبیعتاً واجد نورهای مصنوع است. نمای عکس لانگ‌شات است تا تمام تیم را در قابی عریض بتواند در خود جای دهد. قهرمانی محصول فعالیت‌ها و استمرار یک سال طاقت‌فرسای کل تیم است بنابراین نمی‌توان عکس را هم محدود و محصور به تک‌ستاره‌ها کرد. حضار عکس، بازیکنان تیم هستند که پوشش ورزشی یکدستی دارند و لباس خاص قهرمانی و متحدالشکل به تن کرده‌اند. همچنین در عکس شاهد مقامات رسمی فدراسیون و وزارت ورزش هستیم که با پوشش رسمی و کت‌وشلوار و البته ماسک برای ثبت در تاریخ خود را در آن شلوغی و میانه‌های قاب جا داده‌اند. دیده شدن ولو در بین بازیکنانی که سر از پا نمی‌شناسند برای مدیران ورزشی میل و تمنايي حائز اهمیت است که نباید از آن گذشت و صرف‌نظر کرد. بین بازیکنان و مقامات هیچ نشانی از نزدیکی و صمیمیت نیست. ارتباطی هم وجود ندارد. حضور آنان گویا صرفاً از جهت رسمیت دادن مراسم و